 دشنه در ديس ( 1350 – 1356 )

ضيافت

شبانه (يله ، بر نازکای چمن ...)

در شب ...

گفتی که باد مُرده ست ...

فراقی

شبانه (شانه ات مُجاب ام می کند ...)

زبان ديگر

هنوز در فکرِ آن کلاغم ...

خطابه‌ی تدفين

شکاف

سِميرُمی

سپيده‌دم

ترانه آبی

از منظر

باران

شبانه (زیباترین تماشاست ...)

ترانه‌ی بزرگ ترين آرزو

پريدن